

نگرشی بر هویت بافت شهری در تهران (مطالعه موردی: نمای ساختمان، دهه‌ی اول انقلاب اسلامی ایران)

مارال چهره‌ی لنگرودی^{۱*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب،

Marall.chehreh.langroudi@gmail.com

چکیده

هویت بافت شهری یکی از ارمان‌های هویت شهری است که از منظر روان‌شناسی شهری بسیار مورد توجه است. ساختمان‌ها، فضاهای سبز، میادین، خیابان‌ها، مجسمه‌ها و فضاهای سبز تشکیل دهنده‌ی بافت شهری هستند. یکی از عناصر این هویت، نمای ساختمان‌ها است. اما با پیشرفت شهرها و افزایش جمعیت، بحران هویت در بافت شهرها گریبان‌گیر اکثر جوامع شده است. عوامل زیادی در بحران هویت بافت شهری تأثیر گذارند که می‌توان به جنگ، سرازیری جمعیت به پایتخت سیاسی کشور، گذار از سبکی در معماری به سبکی دیگر و تأثیراتی که به دلیل اقتضات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر منظر شهر می‌گذارد، اشاره کرد. نمای ساختمان، سیمای یک شهر است که اصالت و هویت شهری را خلق می‌کند و با عواملی چون مصالح، ارتفاع، رنگ، سبک و فرم شکل می‌یابد. معماری ایرانی-اسلامی خود گویای تمامی اهداف و نکات مثبت است که در طول سالیان دراز بافتی هویت‌دار از خود به یادگار گذاشته است. نابسامانی نما منحصر به ساختمان‌ها نیست و کلیه‌ی ساختمان‌ها و عناصر شهری را در برمی‌گیرد، ولی ساختمان‌های مسکونی درصد بیشتری را در این جامعه‌ی آماری در دست دارند. در پایان نتایج حاصل از این تحقیق که به روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است ما را به این حقیقت رساند که، در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی ایران-علی‌رغم آنکه انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی در تمامی اعصار و جوانب بوده است- با بحران هویت در بافت شهری در نماهای ساختمان مواجه بودیم و سعی بر آن داشتیم که با ریشه‌یابی این مسأله، در نزدیکی به حلقه‌ی گمشده‌ی جوامع بشری امروز، یعنی هویت شهری قدمی رو به جلو داشته باشیم، چرا که امروزه نیز شاهد ادامه‌ی همان روند هستیم که ریشه‌یابی آن سهم بزرگی در کاهش مشکلات شهری دارد.

واژه‌های کلیدی: هویت بافت شهری، جنگ، نمای ساختمان، سیمای شهر، انقلاب اسلامی ایران، تهران.

مقدمه

توسعه و تحول شهر تهران به اوایل پایتختی آن به زمان قاجار برمی‌گردد. تهران شهری است چنداقليمی در مرکز ایران که در گذر زمان دستخوش وقایع بسیاری بوده است. وقایعی نظیر: هجوم ایلخانیان به ری، هجوم افغان‌ها به تهران در زمان شاه طهماسب دوم، پایتختی تهران در زمان آقا محمد خان قاجار، تشکیل مجلس و وزارت‌خانه، خیزش جنبش مشروطه‌خواهان و انقلاب مشروطه، به توپ بستن مجلس، کشف نفت در مسجد سلیمان و جلب توجهی دولت‌های غربی، جنگ جهانی اول و تأثیر آن بر ایران، جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین و آمدن موج قحطی و تورم، ملی شدن صنعت نفت و دستگیری مصدق. یکی از آن وقایع مهم، سرنگونی رژیم پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی آن جنگ تحمیلی بوده است که بیشترین تأثیر را در تهران داشته است. بافت شهری تهران از جمله مواردی است که در خلال این اتفاقات بسیار مورد تغییر و تحول قرار گرفت.

بافت شهری درواقع گویای شکل یک شهر است که در انواعی نظیر قدیم، میانی و نوساز پدیدار می‌شود و به سیمای یک شهر اطلاق می‌گردد. نماهای شهری بافت یک شهر را تشکیل می‌دهند و از سویی عناصر معماری نیز سازندهی نمای یک شهر هستند. عناصر معماری می‌توانند نمای ساختمان‌ها باشند و یا میداين و مجسه‌ها و یا حتی پوشش‌های گیاهی و فضاهای سبز؛ درواقع هرآنچه که در سطح یک شهر وجود دارد می‌تواند یک عنصر معماری باشد که سیمای آن شهر را تشکیل می‌دهد و سیمای شهر آن است که به چشم می‌آید و به ذهن سپرده می‌شود. سیمای زیبای شهر سبب تعلق خاطر شهروندان می‌گردد و به همین دلیل تأثیر به‌سزایی در روان‌شناسی شهری دارد. نما عنصری است که بیشترین تأثیر را در سیمای شهر و بافت شهری دارد و می‌توان گفت در میان اجزای مختلف سیمای شهر، موثرترین و شاخص‌ترین عنصر است.

تاریخ معماری ایران با زیبایی نمای بناها از جهت ظرایف، در نظر گرفتن اقلیم، نیاز کاربران و تزئینات کم‌نظیر گره خورده است. از آنجا که نمای ساختمان تأثیرگذارترین عنصر بر کیفیت بصری یک بنا است، عدم توجه به یکپارچگی آن در منظر یک شهر، عدم هویت نما و در نهایت عدم هویت بافت شهری را به همراه می‌آورد و این موضوعی است که از دیرباز ذهن معماران و سازندگان را به خود مشغول کرده است. در ایران اما همزمان با انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ تحمیلی، به دلیل شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، شاهد ظهور بحران هویتی در نمای ساختمان‌ها به خصوص ساختمان‌های مسکونی هستیم. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود، برآنیم تا علل این بحران در نمای ساختمان‌های مسکونی در این دوره را ریشه‌یابی نماییم.

در سال‌های اخیر تحقیق‌های متعددی در زمینه‌ی شناخت هویت شهری و ارتقاء هویت بافت شهری با توجه به نیاز جامعه صورت گرفته است. اما تحقیقی به صورت ویژه و تخصصی در زمینه‌ی هویت بافت شهری بر اساس نمای ساختمان -که خود اصالت در نمای شهر را به همراه دارد- در دوره‌ی تاریخی دهه‌ی اول انقلاب صورت نگرفته است. پرداختن به مسئله‌ی هویت بافت شهری و نمای ساختمان در این دهه -به دلیل ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این زمان و همچنین رقم خوردن اتفاقات جدید- ما را بر آن می‌دارد که با بررسی تاریخ به نقاط قوت و ضعف خود در این زمینه پی برده و راه را برای آیندگان روشن نماییم و انتظار می‌رود در نهایت به راهکارهای موثری برای هویت‌بخشی به بافت شهری در تهران برسیم.

روش تحقیق

این تحقیق به روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است. همچنین برای گردآوری مطالب از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، دیجیتال، مشاهدات عینی و مصاحبه استفاده شده است. مقالات چاپ شده در مجلات علمی تخصصی کمک فراوانی به گردآوری اطلاعات محقق نموده است. اطلاعات جامع و آماری اغلب از مرکز آمار ایران و اطلس جامع کلان‌شهر تهران به دست آمده است.

تهران

تهران شهری است چند اقلیمی که تقریباً در مرکز ایران واقع شده است. با مروری بر *اطلس جامع کلان‌شهر تهران*^۱ [۱] درمی‌یابیم که تهران کلان‌شهری است تشکیل شده از سه بخش کوهستانی، کوه‌پایه و دشت که با میانگین دمای بین ۱۸ تا ۱۹ درجه سانتی‌گراد، دارای بارش‌های سالیانه‌ی متغیر در شمال و جنوب شرق است. میانگین ارتفاع این منطقه از سطح دریا به ۱۵۰۰ متر می‌رسد. این کلان‌شهر از لحاظ موقعیت زمین‌شناختی بر روی گسل‌های فعالی قرار دارد که باعث رانش زمین و زمین‌لرزه می‌شوند. تهران به دلیل وجود رودخانه‌های فراوان اطراف آن نیز به‌طور پیوسته در معرض خطر سیل است.

شکل‌گیری و توسعه‌ی شهرها ذاتاً امری غریزی است و بر اساس اقلیم یک منطقه صورت می‌گیرد. همان‌گونه که در تاریخ و در تمدن‌هایی نظیر بین‌النهرین مشاهده می‌کنیم، شهرها بر اساس اقلیم، با فاصله‌های کم و کناره‌های دجله و فرات تشکیل می‌شدند.^۲ [۲] در شمال کشور ایران نیز شاهد این نوع شکل‌گیری و توسعه‌ی جمعیتی هستیم. چنان‌که در جنوب کشور، شهرها با فاصله‌ی زیاد تشکیل شده‌اند و در طول زمان چندان توسعه‌ی جمعیتی در حاشیه‌ی شهرها صورت نگرفته است.

همچنین مطالعه‌ی بیشتر *اطلس جامع کلان‌شهر تهران* می‌بینیم که به دلیل ارتفاع زیاد و محدودیت‌های قانونی مناطق کوهستانی، قسمت‌های شمالی و شرقی به دلیل ارتفاعات و همچنین شرایط بیابانی جنوب، توسعه‌ی شهری تهران بیشتر در قسمت غربی متمرکز شده است و بخش غربی شهر به واسطه‌ی برخورداری از شرایط نسبتاً مساعد جغرافیایی، مناسب‌ترین محدوده برای توسعه تلقی می‌شده است. شهرک‌ها و شهرهای جدید نیز رفته رفته در این سوء شکل گرفته و توسعه یافتند. در نهایت می‌توان گفت در تهران شیب جغرافیایی و شیب اجتماعی تهران بر یکدیگر منطبق است. شرایط توپوگرافی^۳ شهر بر بافت فضایی شهر به ویژه در قسمت‌های شمالی شهر تأثیر مستقیم دارد؛ یا به عبارتی توپوگرافی شهر به نوعی انعکاسی از توپوگرافی اقتصادی و اجتماعی آن است.

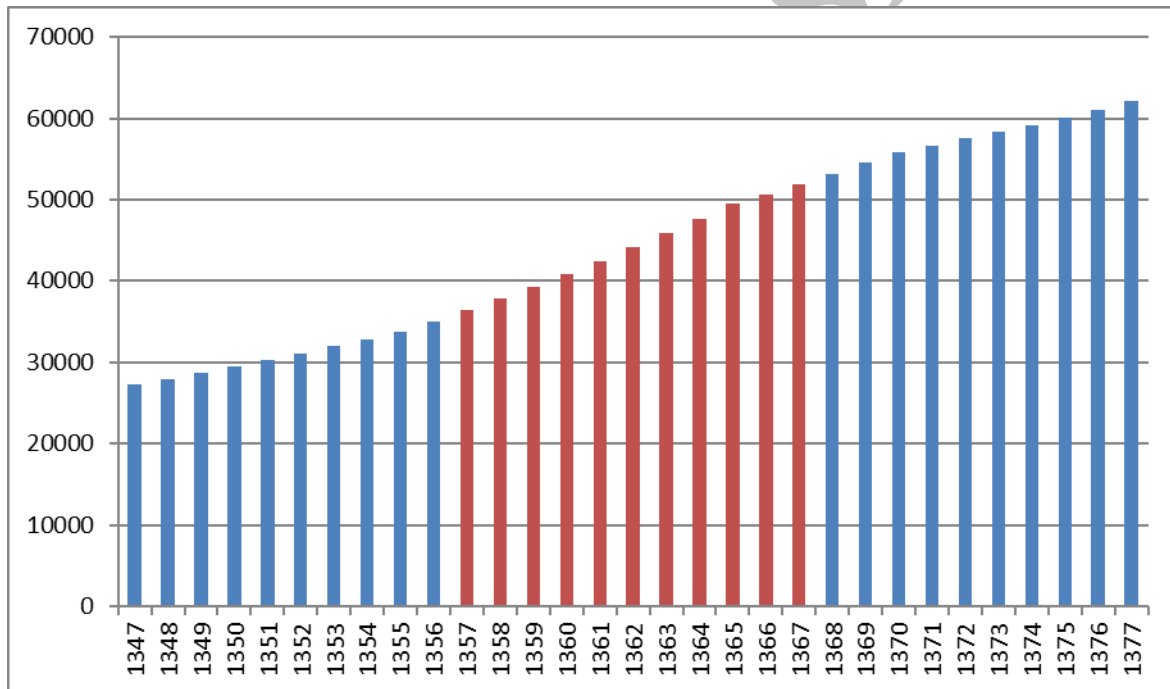
۱. برای مطالعه‌ی بیشتر، به URL^۱ مراجعه شود.

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر به کتاب آشنایی با معماری جهان (محمدابراهیم زارعی) مراجعه شود.

۳. **عارضه‌نگاری یا توپوگرافی (Topography)**: به تحقیق بر روی شکل سطح زمین، ویژگی‌های سیارات، بدن انسان و سایر عناصر که به وسیله‌ی تصویربرداری یا نقشه‌برداری صورت می‌گیرد، گویند. همچنین در این روش علمی شرحی برای تحقیق از سطح مورد نظر و ویژگی‌های آن سطح همراه با توصیف آن در نقشه به کار می‌رود.

مشاهدات عینی در کلان‌شهر تهران به این نتیجه منتج می‌شود که غالباً در شمال شهر که به کوه‌ها نزدیک‌تر است، خیابان‌ها و کوچه‌ها شیب‌دارتر و در جنوب شهر هموارترند. همچنین ساختمان‌های بلندمرتبه بیشتر در شمال شهر واقع‌اند تا جنوب شهر. ساختمان‌های اداری و دولتی نیز عمدتاً در مرکز شهر قرار دارند؛ و این یعنی شیب جغرافیایی و شیب اجتماعی تهران بر یکدیگر منطبق است.

همانگونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، تهران در بین سال‌های ۶۷-۱۳۵۷ از نظر جمعیتی رشد قابل توجهی داشته است. حاشیه‌های شهر در طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ بین ۲ تا ۷ درصد رشد جمعیتی داشتند. جمعیت تهران طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵ پنج برابر شده است. این رشد در شهرهای اطراف تهران به مراتب بیشتر از شهر تهران بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر، رشد در داخل تهران کاهش یافته و بر جمعیت پیرامون آن افزوده شده است و رشد کابدی و فضایی تهران بین این سال‌ها به شدت افزایش یافته و توسعه به سمت حاشیه‌ی شهر کشیده شده است.



شکل ۱- نمودار نرخ افزایش تراکم جمعیت (علی‌الخصوص) بین سال‌های ۶۷-۱۳۵۷ (ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴)

تاریخچه‌ی سیاسی تهران

نخستین بار آقا محمد خان تهران را پایتخت سیاسی خود قرار داد و آن را دارالخلافه نامید که گسترش مرزهای جغرافیایی در تهران اتفاق افتاد اما آبادانی خاصی صورت نپذیرفت تا اینکه در زمان فتحعلی‌شاه تهران رو به سوی آبادانی رفت و بر وسعت و جمعیت آن افزوده شد. اغلب ساختمان‌ها در این ایام گلی و خشتی بودند. اما در زمان ناصرالدین‌شاه افزایش

جمعیت به حدی رسید که تنظیم و ترسیم نقشه‌ی تهران مورد توجه قرار گرفت (حدود تقریباً ۱۵۰ هزار نفر) و ناصرالدین‌شاه به دلیل کمبود مساحت و زمین، خندق‌ها و حصارهای قبلی را خراب کرده و با الهام از نقشه‌ی شهر پاریس، حصار جدید تهران را با ۱۲ دروازه ساخت (قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۲۰-۲۵) [۳]. از ساختمان‌های شاخص این دوران می‌توان دارالفنون را نام برد که به همت امیر کبیر احداث گردید. اما دگرگونی‌های بنیادین در تهران تقریباً در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی و همزمان با پهلوی اول به وقوع پیوست. در این ایام خندق‌ها و حصارها برداشته شد و شهر از چهار سو گسترش یافت و شکل منظم و هندسی پیدا کرد و مدرنیزاسیون به تدریج وارد ایران شد. از آثار معماری آن دوره می‌توان زندان قصر، دبیرستان البرز، بیمارستان نجمیه، ایستگاه راه آهن، آرامگاه فردوسی و کتابخانه‌ی ملی را نام برد. در زمان پهلوی دوم موج مدرنیته‌ای که وارد ایران شده بود، با شدت بیشتری به فعالیت خود ادامه داد و در همه چیز از لباس تا لغات و فرهنگ و معماری تأثیر گذاشت. ساختمان‌های شاخصی در این زمان در تهران ساخته شد، من جمله: مسجد حسینیه‌ی ارشاد، سینما متروپل، سینما دیانا (سپیده)، مهمان‌پذیر لاله و شهرک اکباتان (همان: ۲۹۱-۱۲۹) [۳]. سرانجام در بهمن ۱۳۵۷، پس از دوره‌ای افول در تمامی جوانب کشوری، انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست و به نقطه‌ی عطفی در تاریخ سیاسی تهران مبدل گشت.

پس از انقلاب اسلامی ایران رابطه با دولت‌های غربی رو به افول رفت و ساخت و سازهای گسترده در کشور متوقف گشت. چالش‌های دولت موقت اعم از وجود گروه‌های متعدد سیاسی، سهم‌خواهی آن‌ها از قدرت حکومتی و مناقشات گروه‌های لیبرال و تندرو و ناآرامی‌ها در مناطق اقلیت‌نشین، مدیریت را برای قانون‌گذاران بسیار سخت کرده بود (همان: ۲۹۷) [۳]. سقوط دولت موقت مهندس بازرگان و قطع روابط ایران و آمریکا، روی کار آمدن شهید رجایی و باهنر و ترور ایشان و سرانجام حمله‌ی عراق به خوزستان و رقم خوردن جنگی هشت ساله، چرخه‌ی خسارت‌های وارده به دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران را کامل کرد و شرایط مدیریتی را بسیار سخت نمود (محمودی و شایسته‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۳) [۴].

ورود روستاییان به شهرها علی‌رغم توجه دولت به روستاییان و کشاورزی (استفاده از مواهب شهری، جویایی کار و درآمد، در راستای عدالت‌خواهی انقلاب)، لغو قانونی محدوده‌ی شهرها، تغییرات سریع وسعت و جمعیت، توسعه‌ی افقی شهرها و انتقال و توسعه‌ی شهر به دامنه‌ی کوه‌ها و حاشیه‌ی شهر، توسعه‌ی قانونی مسکن و تفکیک و واگذاری هیجانی زمین، تغییرات در سطح درآمد و مخارج ملی و تحولات فنی و فن‌آوری، از شاخص‌های شهر تهران در این بازه‌ی زمانی هستند (حبیبی، ۱۳۷۵) [۵]. همچنین بخش عمده‌ای از منابع انسانی و اقتصادی کشور متوجه جنگ با احزاب سیاسی و رژیم بعث عراق گردید، به‌طوریکه در تیرماه ۱۳۶۷ علاوه بر شهادت تعداد بسیاری از هموطنان؛ شهرها، کارخانجات و تأسیسات غربی و جنوبی کشور با تخریب گسترده مواجه شد. ساکنین شهرهایی نظیر خرمشهر، قصرشیرین، مهران و آبادان به تهران مهاجرت کردند و رشد جمعیت در این دوره همچنان ادامه داشت.

بازشناخت مفهوم هویت و فرهنگ

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در حوزه‌ی روابط میان افراد و جوامع در دهه‌های گذشته، بحث هویت^۱ [۶] و فرهنگ است. هویت مبحثی است که شاید به تنهایی مبین سلامت روحی یک جامعه نباشد؛ اما در برخورد با عناصر مختلف تشکیل دهنده‌ی

۱. هویت در فرهنگ معین (۱۳۵۰-۱۲۹۱): (ه و ی)، واژه‌ای عربی به معنای شخصیت، ذات و حقیقت چیزی است.

یک اجتماع، خود به تنهایی میزانی برای محاسبه‌ی استقلال و یکپارچگی نسبی جامعه است. هویت الگوهای رفتاری منحصر به فردی است که از دل فرهنگ برمی‌خیزد؛ فرهنگی که به گفته‌ی نولان نظام‌های نمادینی از گنجینه‌های شناختی یک اجتماع است که توسط نسل قبل استوار گردیده و تا امروز در دسترس افراد آن اجتماع قرار دارد (نولان، ۱۳۸۰: ۶۳) [۷].

ناصر فکوهی در مصاحبه‌ی خود با نشریه‌ی هی ولیر می‌گوید: «هویت یعنی میزانی از تفاوت در یک فرد یا یک گروه اجتماعی و یا حتی پدیده‌ی اجتماعی نسبت به فرد، گروه و یا پدیده‌ای دیگر که به دلیل این تفاوت، از آن چیزی دیگری بسازد. بنابراین پایه‌ی هویت، تفاوت است» [۸]. وی همچنین معتقد است که در جوامع انسانی می‌بایست خود پدیدار شدن هویت‌ها را ممکن و حتی تشویق کنیم، ولی در عین حال توجه داشته باشیم که مسئله‌ی استقلال و تمایل هویت را به گونه‌ای مدیریت شود که در جهت تداوم جامعه، انسجام، همدلی و همراهی اجتماعی ممکن شود (همان) [۸].

و اما روی کار آمدن هر چیز وارداتی اعم از لغات، سبک‌های هنری، لباس و ... و مجذوبیت در برابر این واردات، باعث بروز بحران هویتی می‌گردد که بسیاری را به سمت پذیرش ویژگی‌ها، سبک زندگی و فعالیت جوامعی سوق می‌دهد که از نظر آن‌ها صاحب تشخص و هویت برتر جهانی هستند. تقلیدی بودن خود به نوعی بی‌هویتی به همراه دارد (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۰) [۹].

مدرنیته و آشنایی با فرهنگ غرب، موضوعی است که به گمان برخی موجبات تفاوت و شکاف عمیق فرهنگی و عدم هویت را به بار آورده است، اما جهانی شدن و مدرنیته لزوماً بازخوردی منفی در هویت یک جامعه ندارد و می‌تواند فرهنگ‌ها را بیشتر به یکدیگر نزدیک کند ولی این تقلیدی بودن است که تلفات هویتی به بار می‌آورد (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۵) [۱۰].

مفهوم هویت در شهرسازی و معماری به تعبیری چون سوزهی عینی و ملموس، تداعی و ادراک، موجودیت مستقل، ایجاد رابطه، تشخص، ارزش‌گذاری، تصویرپذیری، هماهنگی، زیباشناختی، رابطه ملموس، تمایز و تقابل نسبی نسبت داده شده است (حبیب، نادری و فروزانگهر، ۱۳۸۷) [۱۱].

بافت شهری

شکل‌گیری و توسعه‌ی شهرها امری گریزناپذیر است و بافت شهری متشکل از عناصر گوناگونی نظیر میادین، خیابان‌ها، مجسمه‌ها، فضاهای سبز و ساختمان‌ها است، که در این میان ساختمان‌ها بیشترین تاثیر و فضاگیری را در بافت شهری دارند و به همین علت بخش اعظم سیمای شهر را تشکیل می‌دهند. شروع تحولات در روند شهر و شهرسازی در ایران را شاید بتوان از دوره‌ی مشروطیت دانست. البته پیش از آن در زمان قاجار و یا حتی صفویه، شاهد تاثیرپذیری‌ها و الگوبرداری‌هایی بودیم؛ اما آغاز دگرگونی‌های شدید را می‌توان از اوایل حکومت پهلوی دانست.

شاید بتوان گفت بافت شهری به نحوی فضای عمومی شهر است که همگان در ساخت آن سهیم هستند و همه‌ی آحاد حق استفاده از آن را دارند؛ بنابراین بافت شهرها می‌بایست از الگوی مدونی سازگار با اقلیم و تاریخچه آن شهر تبعیت کند. همچنین در ایجاد، تمرکز و توسعه‌ی بافت شهری باید به ویژگی‌های اراضی مختلف و سطح و ابعاد آن‌ها توجه کرد و نیز در

نظر گرفتن فضای باز برای هر ساکن در شکل‌گیری ساختمان‌های مسکونی بسیار قابل اهمیت است (محمودی و شایسته‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۷۸) [۴]. در برخی فضاهای شهری حتی حق نفس کشیدن ساکنین سلب شده است و مردم دیگر برای بافت شهر خود سنجیده و متفکرانه عمل نمی‌کنند؛ و سرانجام شهر خاصیت کشش خود را از دست داده و بافت منسجم و ثابتی نخواهد داشت. این نکته بسیار قابل تأمل است که، ساختار و نمای شهرها اصولاً حاوی مضامین اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند.

معماری ایرانی-اسلامی خود گویای تمامی این اهداف و نکات مثبت است که در طول سالیان بافتی هویت‌دار از خود به یادگار گذاشته است. به طور مثال بر اساس اصول معماری ایرانی-اسلامی، ساختمان به عنوان یک عنصر سنتی در بافت شهری نقش ایفا می‌کند؛ به این معنا که هر ساختمان باید علاوه بر نقشه‌ی ساختمانی و روحیات بومی، در ارتباط با کشوری که در آن بنا شده و سنت‌های آن کشور شخصیت ویژه‌ی خود را به دست آورد. این موضوع در انتخاب نوع مصالح، روش ساخت و ساز و بیان و زبان طراحی نیز تجلی می‌یابد.

الگوی پیچیده‌ی بسیاری از شهرها به دلایل فراهم آوردن راهی برای درک تحول شهرها با استفاده از تکنیک‌های مطالعاتی، موضوع مطالعات گسترده در دهه‌های اخیر بوده است (تورانی، ۱۳۹۳، ۴۶) [۱۲]. در این مطالعات اکثر شهرها دارای هندسه‌ای خواسته یا ناخواسته هستند که فرم این هندسه در هویت و عدم هویت بافت شهر تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد که شهر تهران در دهه‌ی اول انقلاب دارای هندسه‌ای ارگانیک بوده است. ویژگی‌های هندسه‌ی ارگانیک به انعقاد تورانی، گزینه‌هایی نظیر طراحی حسی و ناخودآگاهانه، رشد نامنظم، تغییر ندریجی در ساختار شهر در طول دوره‌های زمانی، تصمیم‌گیری ساکنان از طریق آزمون و خطا، توسعه و فروپاشی است که بی‌شبهت با تهران سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۷ (دهه‌ی اول انقلاب) نیست.

هویت بافت شهری و تاثیر آن بر هویت شهر

هویت بافت شهری، یکی از نتایج هویت شهری؛ بزرگراهی رو به سوی آرمان‌شهر معماری است. شهری منسجم و دارای هویت، ویژگی‌های خاص خود را داراست، که از نظر معماری و شهرسازی می‌تواند به مثابه‌ی نمونه‌ای عالی از دیدگاه روان‌شناسی شهری بررسی شود، میان بناها و محیط اطراف و طراحی بناها، که فضای عمومی را تشکیل می‌دهند، رابطه‌ای نظام‌مند وجود دارد. این دیدگاه مربوط به سیمای شهر، مورد توجه ساختارگرایانی چون *ادموند بیکن* و *کریستوفر الکساندر* بود.

ادموند بیکن، از نام‌آوران شهرسازی معاصر، در کتاب *طراحی شهرها* به شکل پرداخت و آن را مظهر والاترین آرمان‌های تمدن بشری و برآیندی از خواست و اراده‌ی مردم معرفی کرد. به نظر او شکل شهر محصول تصمیم‌های مردم است، که می‌توان با شناخت ماهیت و شرایط موثر بر شکل‌گیری آن‌ها و نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به اندیشه‌ی طراحی که وحدت میان آن‌ها پدید آمده بود، پی برد و برای آفرینش شهرهای اصیل بینش لازم را به دست آورد [13] (Bacon, 1974:80).

یکی از موارد قابل اهمیت در هویت‌بخشی به فضای ساختمان‌ها، بحث فاصله‌ی میان بناهاست. این فاصله که *شکاف اطمینان* نامیده می‌شود، از اصول بسیار مهم در زیبایی و همچنین ایمنی ساختمان‌هاست. همین‌طور توجه به فضاهای

جلویی ساختمان‌ها و فاصله‌ی نمای ساختمان‌ها با یکدیگر از نظر شهرسازی، زیبایی‌شناسی، ایمنی و روان‌شناسی شهری بسیار حائز اهمیت است. به‌طور مثال الکساندر بر این موضوع معتقد است که طراحان و برنامه‌ریزان این نکته‌ی ساده را درمی‌یابند که فضاهای میان بناها به اندازه‌ی بناها برای زندگی انسان شهری مهم هستند و در عمل به آن عمل خواهند کرد (Alexander, 1987:50)[14]. روند قابل توجه جمعیت که تقریباً در اوایل دهه‌ی ۶۰ خورشیدی شاهد آن بودیم یکی از دلایل محدود شدن زمین‌های قابل ساخت و ساز در تهران بود که در واقع به مرور بر شکل و فرم ساختمان‌سازی از بعد فواصلی میان آن‌ها تأثیر گذاشت.

مشاهدات عینی نشان می‌دهد که تقریباً تا اواخر دهه‌ی ۵۰ خورشیدی در ایران، فاصله‌ی بناها با یکدیگر حتی بیش‌تر از حد استاندارد بین‌المللی در نظر گرفته می‌شد که این خود به دلیل وسعت اراضی تحت ساخت و ساز بود. اهمیت این نکته تا آنجاست که این شیوه از فضاسازی در معماری ایرانی-اسلامی یکی از نکات اصلی در احداث بنا بود. معماری ایرانی که از جمله معماری‌های برجسته در طول تاریخ بوده است، از دیدگاه پیرنیا، دارای محورهای اصلی نظیر درون‌گرایی، خودبسندگی، نیارش، پرهیز از هر گونه بیهودگی و مردم‌واری است (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۰)[۱۵]. این پنج اصل در واقع تمامی قوانین و مقررات نظام مهندسی، شهرسازی و معماری را در بر می‌گیرد.

در مبحث هویت شهری، لزوم توجه به انسان‌شناسی شهری بسیار مهم است. شهر هویت‌دار شهری است که پیکره‌ی خود را بر اساس نیاز و خواست انسان‌های آن شهر ترسیم نماید. در واقع یکی از اصول مهمی که منتج به هویت شهری و در نتیجه هویت بافت شهری می‌شود، توجه به انسان‌ها و انسان‌شناسی شهری است. به اعتقاد بیکن، در طراحی فضاهای شهری از منظر جامعه‌شناسی، قبول این نکته مهم است که نباید مردم را واحدهای آماری طلقی کنیم، چرا که بسیاری از ابعاد انسانی کمیت‌پذیر نیست. در شهرسازی باید تمام اجزاء شهر را با تمام حواسمان درک کنیم و در این مسیر است که می‌توانیم به شهر حیات و در نتیجه هویت ببخشیم (Bacon, 1974: 56)[13].

در مسیر محقق ساختن هویت شهری، دگرگون ساختن چهره و سازمان شهر باید بیشتر بر مبنای اندیشه و تغییری برون‌ی به وجود بیاید تا بر اساس تفکر و تحولی درونی (حبیبی، ۱۳۸۷، ۱۶۱)[۱۶]. پس از انقلاب صنعتی و سیاسی در قرن هجدهم و پیشرفت حمل و نقل و ارتباطات در قرن نوزدهم، جوامع بشری دچار تغییر و تحول شدند. یاراحمدی در واکنش به بحران هویت شهری عقیده دارد که این اثرات نامطلوب بر شهر و انسان در جوامع شهری، نتیجه‌ی مستقیم فرایند صنعتی شدن است (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۸۹)[۱۷]. به طور مثال، هرزگرایی افقی در کلان‌شهرها یکی از مهم‌ترین معضلات است که در بافت شهری آسیب ایجاد می‌کند و از اثرات همان صنعتی شدن‌ها و افزایش جمعیت است. در نتیجه‌ی بهبود و ثبات بافت شهری که در نتیجه‌ی سیاست‌های مدون یک کشور در ارتباط با سازمان‌دهی فضاهای شهری وجود دارد، هویت بافت شهری را حاصل می‌شود.

۱. دکتر محمدکریم پیرنیا (۱۳۷۶-۱۲۹۹) پدر معماری ایران، با مدرک دکترای معماری؛ استاد دانشگاه، محقق، نویسنده نظریه‌پرداز و مورخ معماری.

آشنایی با شیوه‌های نوین به‌سازی و بازسازی ساختمان‌ها، استفاده از عناصر بوم‌آورد، توجه به نیازهای ساکنان شهر، رعایت اقلیم در شهرسازی و معماری، وضع قوانین ثابت و دلسوزانه، ثبات رویه معماران، جلوگیری از دخالت صرف سلاطین و خواسته‌های سازندگان، برگزاری سمپوزیوم‌های معماری، مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و برخوردن هویت از دل تفاوت‌ها، از راهکارهایی جهت هویت‌دار نمودن فضاهای شهری است که از دید محقق می‌گذرد.

نمای ساختمان

ساختمان‌های مسکونی مهم‌ترین عنصر در میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی بافت هستند. نما [۶] پوشش خارجی و وجه بیرونی ساختمان است که جزئی از یک کل است و فضای شهری را تشکیل می‌دهد. نما عنصری است که بیشترین تأثیر را در سیمای شهر و بافت شهری دارد. سیمای شهر آن است که به چشم می‌آید و به ذهن سپرده می‌شود. سیمای زیبای شهر سبب تعلق خاطر شهروندان می‌شود و به همین دلیل تأثیر به‌سزایی در روان‌شناسی شهری دارد.

نماهای شهری و ساختمانی فصل مشترکی است که شهرسازی و معماری در تعامل با هم به وجود می‌آورند و مرزی است که معماری منظر در آن به نتیجه می‌رسد (دراج، ۱۳۸۸) [۱۸]. حجم بیرونی و پوسته‌ی ساختمان، بخشی از کالبد معماری است که علاوه بر مرز میان بیرون و درون، نقش مهمی برای تأمین ارتباط، تهویه، نور و منظر کاربران ایفا می‌کند و بیش از هر بخش دیگری در ارتباط با ناظران شهری قرار می‌گیرد (افتخارزاده، ۱۳۸۸) [۱۹]. نمای شهرها نیز ذاتاً از الگوی مدونی تبعیت می‌کند که بسیار با اقلیم و تاریخچه‌ی آن مکان ارتباط دارد. نمای شهر در نقاط گوناگون بر پایه‌ی عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی متفاوت است.

نما از نظر تاریخچه در ایران قدمتی به بلندای تاریخ دارد با این تفاوت که تا پیش از اسلام نما ترکیبی از معماری با انواع هنرهای تجسمی نظیر مجسمه‌سازی، نقاشی، نگارگری و سایر هنرهای تزئینی بود که در غالب سیمبل‌ها و نشانه‌ها سخن می‌گفت. پس از اسلام و با حذف برخی هنرها نظیر مجسمه‌سازی، شمایل‌نگاری و نقش برجسته، ساختار نماها از فرمی دارای هویت ملی به هویت مذهبی تغییر کرد و بیشتر به درون بنا و حیاط متمرکز شد [۲]. در معماری ایرانی-اسلامی نیز همواره به نمای ساختمان‌های توجهات خاصی وجود داشته است.

به اعتقاد دراج، این سبک تا اواخر دوره‌ی قاجار ادامه پیدا کرد اما با شروع پهلوی اول تغییرات عمده‌ای در نما حاصل شد. معماری و شهرسازی پهلوی اول رنگ مدرنیته به خود گرفت و ماهیت درون‌گرایی بنا کنار گذاشته شد و عناصر برون‌گرایی روی کار آمد و در بسیاری موارد به تقلید از عناصر وارداتی پرداخته شد (دراج، ۱۳۸۸) [۱۸].

۱. نما در فرهنگ معین (۱۳۵۰-۱۳۹۱): (ن یا ن)، قسمت خارجی ساختمان، صورت ظاهری.

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر، آشنایی با معماری جهان (محمدابراهیم زارعی) مطالعه شود.

هویت نمای ساختمان‌ها و تاثیر آن بر هویت بافت شهری

ما در تهران با بحران جدی در معماری نماهای ساختمان مواجهیم و معماری خانه‌هایمان با نیازهای دنیای معاصر و نیازمندی‌های خودمان مطابقت ندارد و با عدم در نظر گرفتن المان‌های معماری ایرانی-اسلامی، جادوی خاص این سبک را از دست داده‌ایم. از طرفی دلایل بحران هویتی در نماهای ساختمان را به ورود مدرنیته با ایران مرتبط می‌نماییم، در حالی که اساساً تقابل مدرنیته و سنت‌گرایی به خودی خود می‌تواند در سازماندهی نیازها و خواسته‌هایمان موثر باشد. عدم تکروری و قبول مسئولیت در عضویت در واحد بزرگتری به نام فضای شهری، در نهایت به بافت شهر هویت می‌بخشد. پاکزاد بر این باور است که نا به سامانی نما ریشه در عدم پاسخ‌گویی مناسب به توقعاتی دارد که در طول تاریخ نسبت به نما ایجاد شده است (پاکزاد، ۱۳۸۲) [۲۰].

به اعتقاد پاکزاد نما یکی از موثرترین و پرنوسان‌ترین عناصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری بنا و در نتیجه کیفیت فضاهای شهری است و در عین حال تأثیرپذیرترین عنصر از تصمیم‌های طراحان معماران و طراحان شهری است (همان، ۲۰). متأسفانه کوشش‌های معماران و قانون‌گذاران در ارائه‌ی نمای مناسب به دلیل وجود اختلاف سلیقه‌ها و عدم تنظیم مقررات ثابت و سازگار با اقلیم راه به جایی نداده است. پاکزاد همچنین می‌گوید: «عواملی نظیر اعمال سلیقه و دخالت‌های غیرکارشناسانه، محدودیت‌های فنی و اقتصادی حاکم بر کشور نظیر فقر مالی و فنی سازندگان و مواد و مصالح نامرغوب، ضعف در نظام هدایت و کنترل اعم از عدم کنترل نقشه و پایان کار نماسازی توسط شهرداری، نبود یک معمار کنترل‌کننده‌ی منظر شهری و عدم طراحی و ساخت بر اساس معماری کلان در نابسامانی نما نقش دارند» (همان، ۲۰).

بافت شهری و نمای ساختمان‌ها در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی ایران

در برخی جوامع پس از ورود مدرنیته، شهرها براساس تقلیدهای بدون اندیشه از مکاتب غربی و بدون توجه به الگوهای بومی و نیاز کاربران ساخته شدند، که این خود بی‌هویتی به همراه دارد. اما استفاده از مدرنیته، حفظ الگوهای سنتی ساخت و ساز و در نظر گرفتن نیاز کاربران و منطقه، راهی است که شهرهایی با اصالت به‌وجود می‌آورد. این راهی است که معماری ایرانی-اسلامی طی نموده است. معماری جمهوری اسلامی ایران در دهه‌ی اول انقلاب را مطابق با شکل ۲ می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:



شکل ۲- سبک‌های معماری در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی (ماخذ: قبادیان، ۱۳۹۴)

در این دوره معماری سنتی محدودتر از گذشته اجرا شد اما تأکید حاکمیت روی این سبک بود. در این سبک از نماهای شیوه‌ی اصفهانی استفاده می‌شد و نماها آجری همراه با تزئینات کاشی‌کاری پدیدار گشت. کاشی‌ها به صورت لعاب‌دار فیروزه‌ای، با نقوش اسلیمی، ختایی و گره‌ی چینی ایفای نقش می‌کردند. بام‌ها نیز بیشتر به شکل محدب، طاق و گنبد بودند (قبادیان، ۱۳۹۴: ۳۰۳) [۳].

بناهای این سبک بیشتر بناهای مذهبی بودند و پروژه‌های غالب بعد از پیروزی انقلاب، که احداث مصلی در تمامی شهرهای ایران اسلامی بود، به این سبک ساخته می‌شد. قبادیان از مصلی امام خمینی (۱۳۶۴ تا کنون)، کتاب‌خانه و موزه‌ی ملی ملک (۶۴-۱۳۵۷)، سردر ورودی وزارت کشور (۱۳۶۰) و مدرسه‌ی جوادآباد ورامین (۶۰-۱۳۵۹) را نمونه‌های این سبک نام می‌برد (قبادیان، ۱۳۹۴: ۳۰۱-۲) [۳].

در سبک مدرن متأخر، فرم بنا غالباً به شکل مکعب مستطیل بود و از سطوح صاف و خطوط مستقیم استفاده می‌شد. در این دوره شاهد عدم استفاده از تزئینات و پوشش نمایی سنگ، شیشه، صفحات فلزی و بعضاً آجر هستیم. از نمونه‌های این سبک در تهران می‌توان مجتمع مخابراتی انقلاب اسلامی (۷۵-۱۳۶۶) اشاره کرد که ترکیب چند مکعب مستطیل با پوشش ساده‌ی سنگ گرانیث بود (قبادیان، ۱۳۹۴: ۳۰۶-۸) [۳].

و اما سبک پست مدرن که در واقع نوعی معماری تلفیقی است که دو گرایش نوقاجار و بوم‌گرایی را شامل می‌شود. ویژگی‌های این سبک از دید قبادیان به شرح زیر است: «سبکی تلفیقی است که در آن شیوه‌های اصفهانی، تهرانی و معماری بومی به‌روز می‌شود. تلفیق معماری گذشته و مدرن در این روش رخ می‌دهد. در نما از مصالح سنتی (آجر، کاشی، چوب و تزئینات سنتی) و مصالح مدرن (سنگ، پلاک، بتن و فلز) استفاده می‌گردد. ساختمان‌های معروف این دوره در تهران می‌توان ساختمان مسکونی ونک، دفتر کار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) نام برد» (قبادیان، ۱۳۹۴: ۳۰۵-۱۴) [۳].

نتیجه‌گیری

بافت شهری و نمای ساختمان‌ها فضای عمومی شهر تهران محسوب می‌شوند و برای رسیدن به بافت شهری دارای هویت، ثبات در خلق بناهای شهر، توجه به ویژگی‌های اقلیمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در طراحی نماهای شهری (ساختمانی) بسیار با اهمیت است و یا اینکه فضاهای عمومی باید همسو با حقوق شهروندی باشند چرا که در دنیای معاصر، فضاهای عمومی قطب قدرتی یک کشور به شمار می‌آیند. فضای عمومی در کشورهای اروپایی جایگاهی پر ارزش دارد، ولی متأسفانه در ایران تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تقریباً هیچ‌گاه شاهد سیاست مدونی در خصوص سامان‌دهی به فضاهای شهری و عمومی نبوده‌ایم، هرچند که اولین قوانین و ضوابط مربوط به شهرسازی و معماری در پهلوی اول وضع شد؛ سیاست‌گذاران اغلب بنا به سلايق شخصی خود و مصالح سیاسی دست به وضع قانون می‌زدند و تبعیض‌های طبقاتی موجب بروز دوچهره‌ای شدن سیمای شهر می‌شد.

در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی بحران‌ها و محدودیت‌های فراوانی وجود داشت که سبب عدم توجه سیاست‌گذاران به مبحث فضاهای عمومی و بافت شهری گردید. در این ایام، از سویی تمایل به معماری سنتی و سنت‌گرایی به دلیل رجوع به هویت

اصلی ایرانی-اسلامی روی کار آمد و از طرفی نفوذ معماری مدرن متاخر و یا پست مدرن را نمی‌شد انکار نمود و می‌توان این دوره را به نوعی گذار از سنت به مدرنیته محسوب کرد. انقلاب اسلامی ایران فرصتی برای بازگشت به گذشته‌ی شهرسازی و معماری و انقلابی در معماری ایرانی-اسلامی بود. از طرفی تحریم‌های همه‌جانبه که ایران اسلامی بعد از آن همواره با این مسئله درگیر بود، ساخت‌وسازها و مواد و مصالح را محدود کرده بود. عدم اطمینان از ثبات آینده‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور، خروج برخی نخبگان معماران و سرمایه‌داران، تعطیلی دانشگاه‌ها و اکثر شرکت‌های خارجی، شروع جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، از بین رفتن بسیاری از تأسیسات و جوانان ایران و مهاجرت انبوه آوارگان جنگی، دست سرمایه‌گذاران ساختمانی را محدود کرده بود و تمرکز آن‌ها را از مسئله‌ی نماهای ساختمان به کلی منحرف نموده بود؛ در نتیجه سیمای بافت شهری تهران، به نماهایی سرد با تنوع بتن، سیمان، آجر و ندرتا سنگ دلخوش بود. در این ایام تمایل به ساخت بناهای مذهبی من‌الجملة مصلی‌ها در سراسر کشور بسیار زیاد بود. بناهای مذهبی اصولاً به شیوه‌ی اصفهانی، با پلانی درون‌گرا، اسکلت فلزی یا بتنی و نماهای آجری با تزئینات کاشی ساخته می‌شدند و این امید می‌رفت که شاهد زنده شدن مجدد ارزش‌های معماری ایرانی-اسلامی در تهران باشیم.

هدف از تحقیق انجام شده به نوعی پی بردن به محتوا و شیوه‌ی بیان معماری و شهرسازی و نماهای ساختمانی دوره‌ی تاریخی دهه‌ی اول انقلاب و واکاوی رویکرد هویتی بناها بود؛ هویت‌دار، کم‌هویت و یا بی‌هویت. هرچند هویت خود از تفاوت ایجاد می‌شود، با توجه به تفاوت‌های بسیار در مصالح و فرم نما و عدم انسجام و پیروی از یک خط مشی یکسان، می‌توان گفت دارای شهری با بافت کم‌هویت بودیم. اما بی‌انصافی است اگر بگوییم که تهران در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی شهری بی‌هویت بوده است. سنت در معماری تا آن زمان فراموش نشد و سازندگان به نحوی آن را در پس ساختمان‌های سرد و بی‌روح خود جای دادند. توجه به فاصله‌ی بین نماها، درون‌گرایی و عدم عمودی‌سازی در این دوره مورد توجه بود، اما پس از آن به دلیل افزایش جمعیت و کمبود زمین‌های تحت ساخت و ساز، کم‌کم رو به فراموشی سپرده شد. نماها دارای شکاف‌های کمتر و پنجره‌های کوچک‌تر شدند. با همه‌ی این‌ها اما شاید بتوان گفت بحران هویتی در بافت شهری و نمای ساختمان‌ها، کمترین آسیب وارده به ایران و تهران در طی هشت سال دفاع مقدس و ویرانی‌های آن بوده است.

فهرست منابع و مآخذ:

[1] URL1: <http://www.atlas.tehran.ir> , ۱۳۹۴/۰۸/۳۰.

[۲] زارعی، محمدابراهیم، *آشنایی با معماری جهان*، چاپ چهاردهم، تهران: نشر فن‌آوران، ۱۳۹۲.

[۳] قبادیان، وحید، *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*، چاپ سوم. تهران: نشر علم معمار روپال، ۱۳۹۴.

[۴] محمودی، محمدهادی و شایسته‌نیا، احسان، *معماری*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۴.

[۵] حبیبی، سید محسن، "شهرسازی در ایران پس از انقلاب"، *فصل‌نامه‌ی گفت‌وگو*، شماره‌ی ۱۳، صص ۱۷-۷، ۱۳۷۵.

[۶] محمد، معین، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۱.

[۷] نولان، پاتریک و گرهارد، لنسکی، گرهارد، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان*، ت: نصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.



[8] URL2: <http://www.anthropology.ir/node/18221>, ۱۳۹۴، ۱۰، ۰۱ .

[۹] تقی‌زاده، محمد، *شهرسازی و معماری اسلامی*، چاپ دوم، اصفهان: نشر مانی، ۱۳۹۳.

[۱۰] فکوهی، ناصر، *همسازی و تعارض در هویت و قومیت*، چاپ اول، تهران: نشر گل آذین، ۱۳۸۹.

[۱۱] حبیب، فرح و نادری، سید مجید و فروزانگهر، حمیده، "پرسیمان تبعی در گفتمان کابد شهر و هویت"، *مجله‌ی هویت شهر*، سال دوم (۳)، صص ۲۳-۱۳، ۱۳۸۷.

[۱۲] تورانی، احمد رضا، *مبانی نظری در معماری هزاره‌ی سوم*، چاپ اول، تهران: انتشارات اول و آخر، ۱۳۹۳.

[13] Bacon, Edmund, *Design of Cities*, New York: The Viking Press, 1974.

[14] Alexander, Christopher, *A New Theory of Urban Design*, 1987.

[۱۵] پیرنیا، محمد کریم، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهنده معمار، ۱۳۸۰.

[۱۶] حبیبی، محسن، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

[۱۷] امیر یاراحمدی، محمود، *به سوی شهرسازی انسان‌گرا*، چاپ اول، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۸.

[۱۸] دراج، پرینا، "نما، پوسته‌ای هویت‌ساز"، *مجله‌ی معماری و ساختمان*، شماره‌ی ۱۹، صص ۶۳-۶۰، ۱۳۸۸.

[۱۹] افتخارزاده، ساناز، "نمای معماری در نگاه انسانی"، *مجله‌ی معماری و ساختمان*، شماره‌ی ۱۹، صص ۴۵-۳۶، ۱۳۸۸.

[۲۰] پاکزاد، جهان‌شاه، "پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن"، *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، شماره‌ی ۱۴، صص ۹۱-۱۰۲، ۱۳۸۲.